



دانشکده علوم حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان پایان نامه

مبانی فقهی و حقوقی انتقال مالکیت معنوی

استاد راهنما

حجت الاسلام دکتر مرتضی چیت سزایان

استاد مشاور

حجت الاسلام دکتر محمد بهرامی خوشکار

دانشجو

مریم خواجهویی

سال و ماه دفاع

بهمن ۱۳۹۰

بایگاه اطلاعات علمی

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث است.

تقدیم به

بهار دل‌ها و صفای لحظه‌ها ...

و به قلب تپنده و طپش قلب‌ها ...

به نور دیدگان و طراوت روزگاران ...

به امام مهدی (عج) صاحب العصر و الزمان ...

به همه دیده براهان و منتظرانش ...

و تقدیم به آرزوی چشم انتظاران که هر صبح که بیدار می‌شویم، به امید شنیدن انا

المهدی او چشم باز می‌کنیم و هر شب به امید دیدن روی دلربای او چشم بر هم

می‌گذاریم.

و تقدیم به عزیزانی که عاشقانه دوستشان دارم پدر و مادر عزیزم

که در این راه سختی‌های زیادی را متحمل شدند.

آنان که فروغ نگاهشان و گرمی کلامشان و روشنی رویشان سرمایه‌های

جاودانی زندگی ام هستند.

سپاسگزاری

با سپاس از الطاف بیکران خداوند که ما را فکرت داد تا بیاموزیم.
بدینوسیله از زحمات استادان گرامی:

جناب آقای دکتر مرتضی چیت سزایان (استاد راهنما) و جناب آقای

دکتر محمد بهرامی خوشکار (استاد مشاور)

به خاطر راهنمایی‌هایشان در تهیه و تنظیم مطالب این پژوهش کمال تشکر و سپاس را دارم.
اگر چه زحمات این اساتید را به هیچ وجه نمی‌توان ستود.
و از خداوند منان برای این بزرگواران طلب توفیق روزافزون و ارتقاء درجات می‌نمایم.

چکیده

یکی از موضوعاتی که در زندگی امروز بشر در ابعاد مختلف سایه گسترده پیشرفتهای علمی و فناوری است که در زندگی انسان نقش به سزایی دارد و از جمله آنها تولیدات فکری است که در قالبهای نوشتاری و به صورت‌های مختلف هنری، ابتکارات، اختراعات ظهور کرده و موجبات تحول عظیم شده است. اسلام هم به عنوان یک مجموعه نظام یافته برای این نمونه کارها ارزش و بهای زیادی قایل است و تشویق می‌کند که انسان همه استعداد‌های مادی و معنوی‌اش را بکارگیرد تا بتواند بهره کافی را از آن ببرد.

خداوند در سوره اعراف آیه ۱۰ می‌فرماید: «ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم.» از آنجا که اسلام برای انسان مقام والایی قایل است و آثار و کار او هم از ارزش برخوردار است، عقل و منطق هم از آثار انسان چه مادی و معنوی حمایت می‌کند. با توجه به اینکه تولید آفرینش‌های فکری وقت و کار زیادی را طلب می‌کند و در حقیقت این علم، فعلی است که زمینه‌های رشد و پیشرفت‌های مادی را فراهم می‌کند و دیگران با بکارگیری آن تئوری‌ها و نوآوری‌ها و خلاقیت‌هاست که زمینه رفاه جامعه را فراهم می‌کنند. پس لازم است برای اینکه تولید کنندگان آثار فکری بتوانند با خیال آسوده به تولید بپردازند، برای رسیدن به این هدف لازم است که قوانین مربوط به حقوق مالکیت معنوی به طور کامل و صریح برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان اثر و صاحبان صنایع وجود داشته باشد. و زمینه انتقال آن به دیگران همراه با حفظ حقوق صاحبان آنها که از مسائل مهم در این مورد است فراهم شود.

در سال‌های اخیر این حقوق در سطح اجرایی و قانونگذاری مورد توجه قرار گرفته‌اند. گرچه هنوز هم قوانینی در شان و شخصیت پدیدآورندگان آثار فکری و معنوی تصویب نشده است. لذا بر آن شدیم که در زمینه انتقال اموال فکری با توجه به ضرورتی که امروزه احساس می‌شود به بررسی آن بپردازیم و ببینیم آیا آفرینش‌های فکری ملکیت و مالیت دارند و اگر دارند اسباب نقل و انتقال آنها چگونه است؟

از آنجا که قوانین موضوعه ایران مبتنی بر فقه امامیه می‌باشد، برای پیدا کردن مبانی انتقال اموال فکری به سراغ علم فقه می‌رویم و با رجوع به منابع فقهی آن (کتاب، سنت، اجماع و عقل) به سراغ قواعد فقهی می‌رویم که برگرفته از آیات قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و معصومین (علیهم السلام) است و فقها در ضمن مباحث مختلف فقهی به آن پرداخته‌اند. اما با توجه به ویژگی‌های که قواعد فقهی دارند، اولاً فرمول‌های بسیار کلی هستند که منشا استنباط قوانین می‌باشند و به یک مورد خاص اختصاص ندارند. ثانیاً این قواعد بنیادهای کلی فقهی هستند که با توجه به کلی بودن و عام بودن، فقها در موارد مختلف از آنها استفاده می‌کنند و در جهت

استنباط فروع، مورد توجه قرار می‌گیرند. در حالی که نظریه عام را فقها با توجه به وجوه مشترک میان احکام گوناگون بدست می‌آورند.

احکامی هستند عرف و عقلا آنها را اعتبار کرده‌اند دین در برخورد با زندگی انسانها و شیوه‌های متداول آنها را پذیرفته و تایید کرده است و سیره دین بر حفظ نظام اجتماعی و تسهیل معیشت مردم می‌باشد و شارع با افزودن قیدها و شرایطی بنای عقلا را پذیرفته است و فقها این نوع احکام را امضایی می‌نامند. امروز آفرینش‌های فکری بر اساس عرف و بنا عقلا بعنوان منبع ثروت و کسب و کار محسوب می‌شوند که نظام اجتماعی تحت تاثیر آنهاست و اسلام بعنوان یک نظام کامل باید در این زمینه اصول و قواعدی را تبیین کند و موجبات اختلال و هرج و مرج را برطرف نماید.

آفرینش‌های فکری و معنوی با توجه قواعد سلطنت، لاضرر، سبق، احترام و مصلحت مال محسوب می‌شوند و تحت سلطه و مالکیت قرار می‌گیرند. پس از اثبات مالکیت، اسباب نقل و انتقال آنها با توجه به عقود و ایقاعات جنبه قانونی و شرعی پیدا می‌کند و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۶ و ۴۷ و در قانون مدنی ماده ۳۰ و ۳۱ به موضوع کسب و کار و مالکیت و تصرفات مالکین و حقوق ناشی از آن بیان شده است.

کلید واژه: مالکیت، معنوی، قانون، قاعده، سلطنت، لاضرر.

فهرست مطالب

صفحه

فصل اول	۱۳
۱.۱ کلیات	۱۴

۱۴	۱. ۱. ۱. بیان مسئله تحقیق
۱۵	۱. ۱. ۲. سؤالات تحقیق
۱۵	۱. ۱. ۳. فرضیات تحقیق
۱۵	۱. ۱. ۴. ضرورت و اهداف
۱۵	۱. ۱. ۵. پیشینه تحقیق
۱۶	۲. ۱. تعاریف
۱۶	۱. ۲. ۱. انتقال
۱۷	۱. ۲. ۲. مال
۱۷	۱. ۲. ۲. ۱. تعریف
۱۸	۱. ۲. ۲. ۲. ویژگی‌های مال
۱۸	الف) داشتن منفعت عقلایی و مشروع
۱۹	ب) قابلیت داد و ستد
۱۹	ج) قابلیت اختصاص یافتن
۲۰	۱. ۲. ۳. آثار حقوقی تعریف مال
۲۱	۱. ۲. ۳. مفهوم مالکیت
۲۳	۱. ۲. ۴. مفهوم معنوی
۲۳	۱. ۲. ۵. تعریف حقوق مالکیت معنوی
۲۴	۳. ۱. تاریخچه حقوق مالکیت معنوی
۲۴	۱. ۳. ۱. حقوق مالکیت صنعتی
۲۶	۱. ۳. ۲. حقوق مالکیت ادبی و هنری:
۲۸	۴. ۱. حق مالکیت فکری در اسلام و کشورهای اسلامی:
۲۹	۵. ۱. اهمیت و فواید شناسایی و حمایت حق مالکیت فکری
۲۹	۱. ۵. ۱. فواید فردی
۲۹	۱. ۵. ۱. ۱. تضمین حقوق معنوی اثر
۳۰	۱. ۵. ۱. ۲. تضمین حقوق مالی و اقتصادی اثر
۳۰	۲. ۵. ۱. فواید اجتماعی
۳۱	۱. ۵. ۲. ۱. جلوگیری از فرار مغزهای جامعه
۳۱	۱. ۵. ۲. ۲. تحریک استعدادها و تشویق خلاقانه
۳۱	۱. ۵. ۲. ۳. پیشرفت علمی، هنری، فرهنگی و اقتصادی جامعه
۳۲	۱. ۵. ۲. ۴. رشد جهانی جامعه
۳۲	۱. ۵. ۲. ۵. رقابت منصفانه
۳۳	۱. ۵. ۲. ۶. گسترش انتقال تکنولوژی
۳۳	۶. ۱. حقوق مالکیت معنوی یا فکری؟
۳۵	۷. ۱. اقسام حقوق مالکیت معنوی
۳۵	۱. ۷. ۱. حقوق مالکیت ادبی و هنری
۳۶	۱. ۷. ۱. ۱. اقسام حقوق مالکیت ادبی و هنری:
۳۶	۱. ۷. ۱. ۱. ۱. حقوق پدیدآورنده (حق مؤلف)
۳۷	۱. ۷. ۱. ۱. ۲. حقوق مرتبط
۳۸	۱. ۷. ۲. حقوق مالکیت صنعتی و تجاری

۳۹	۱. ۲. ۷. ۱. اقسام حقوق مالکیت صنعتی و تجاری:
۳۹	۱. ۱. ۲. ۷. ۱. حق اختراع
۴۰	۲. ۱. ۲. ۷. ۱. طرح صنعتی
۴۱	۳. ۱. ۲. ۷. ۱. علامت تجاری
۴۱	۴. ۱. ۲. ۷. ۱. نشانه‌های جغرافیایی
۴۲	۵. ۱. ۲. ۷. ۱. اسم تجاری
۴۲	۶. ۱. ۲. ۷. ۱. طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه
۴۲	۷. ۱. ۲. ۷. ۱. اسرار تجاری
۴۳	۸. ۱. ویژگی‌های حقوق مالکیت معنوی
۴۳	۱. ۸. ۱. حقوق معنوی پدیدآورنده
۴۳	۱. ۱. ۸. ۱. ویژگی‌های حقوق معنوی
۴۳	۱. ۱. ۱. ۸. ۱. عدم قابلیت انتقال
۴۴	۲. ۱. ۱. ۸. ۱. محدود نبودن به زمان و مکان
۴۴	۲. ۱. ۸. ۱. حقوق مادی پدیدآورنده
۴۵	۱. ۲. ۸. ۱. ویژگی‌های حقوق مادی
۴۵	۱. ۱. ۲. ۸. ۱. قابل انتقال بودن
۴۵	الف) انتقال اختیاری
۴۵	۱- انتقال حق به شخص حقیقی
۴۵	۲- انتقال حق به سفارش دهنده
۴۵	۳- انتقال حق به استخدام کننده
۴۶	۴- انتقال حق به شخصی حقوقی
۴۶	۵- انتقال حق به موصی له (لهم)
۴۶	ب) انتقال قهری
۴۷	۲. ۱. ۲. ۸. ۱. موقت بودن
۴۹	فصل دوم
۵۰	۱. ۲. مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی
۵۰	۱. ۱. ۲. نظر فقهای امامیه
۵۰	۱. ۱. ۲. دلایل مخالفان حقوق مالکیت معنوی
۵۰	۱. ۱. ۱. ۲. به امضای شرع نرسیدن
۵۲	۲. ۱. ۱. ۱. ۲. نهی از کتمان علم
۵۲	۳. ۱. ۱. ۲. ممنوعیت اخذ اجرت نسبت به انجام واجبات
۵۳	۴. ۱. ۱. ۲. این حقوق مشمول عموم «اوفوا بالعقود» نمی‌باشند
۵۴	۲. ۱. ۱. ۲. دلایل موافقان حقوق مالکیت معنوی
۵۴	۱. ۲. ۱. ۲. تمسک به عرف و سیره‌ی عقلا
۵۵	۲. ۱. ۲. ۲. قاعده‌ی لاضرر
۵۶	۳. ۱. ۲. ۱. ۲. مصلحت سنجی از سوی فقیه
۵۶	۴. ۱. ۲. ۱. ۲. قاعده‌ی حفظ نظام
۵۷	۵. ۱. ۲. ۱. ۲. قاعده‌ی صحت
۵۸	۶. ۱. ۲. ۱. ۲. حق سبق
۵۸	۷. ۱. ۲. ۱. ۲. آیه‌ی وفای به عهد

۵۸ ۲. ۱. ۱. ۲. ۸ آیهی تجارت
۵۹ ۲. ۱. ۱. ۲. ۹ حدیث لزوم پایبندی به شروط
۵۹ ۲. ۱. ۱. ۲. ۱۰ تمسک به عموم «اوفو بالعقود»
۶۳ ۲. ۱. ۲. نظر فقهای عامه
۶۴ ۲. ۱. ۲. ۱. مالکیت معنوی در پرتو مفهوم مال از دیدگاه مذاهب اربعه
۶۴ ۲. ۱. ۲. ۱. ۱. معیار مالیت اشیاء در فقه شافعی
۶۵ ۲. ۱. ۲. ۱. ۲. معیار مالیت اشیاء در فقه حنبلی
۶۶ ۲. ۱. ۲. ۱. ۳. معیار مالیت اشیاء در فقه مالکی
۶۶ ۲. ۱. ۲. ۱. ۴. معیار مالیت اشیاء در فقه حنفی
۶۷ ۲. ۱. ۲. ۲. ادله فقهای عامه
۶۷ ۲. ۱. ۲. ۲. ۱. مصالح مرسله
۶۹ ۲. ۱. ۲. ۲. ۱. ۱. اقسام مصالح
۶۹ ۲. ۱. ۲. ۲. ۱. ۲. تطبیق قاعده مصالح مرسله بر حقوق معنوی
۷۰ ۲. ۱. ۲. ۲. ۲. سد ذریع (رفع دست آویز)
۷۲ ۲. ۲. مبانی انتقال اموال معنوی
۷۳ ۲. ۲. ۱. قاعده سلطنت
۷۴ ۲. ۲. ۱. ۱. مستندات این قاعده
۷۴ الف) قرآن
۷۴ ب) روایات
۷۵ ج) بنای عقلاء
۷۵ ۲. ۲. ۱. ۲. استدلال از قاعدهی سلطنت در مورد انتقال مالکیت معنوی
۷۷ ۲. ۲. ۱. ۳. قلمرو و موارد کاربرد قاعده سلطنت
۸۰ ۲. ۲. ۲. قاعده احترام
۸۳ ۲. ۲. ۳. قاعده سبق
۸۴ ۲. ۲. ۳. ۱. مستندات قاعده (سبق)
۸۴ الف) سیره
۸۴ ب) روایات
۸۸ ۲. ۲. ۴. قاعده لاضرر
۸۸ ۲. ۲. ۴. ۱. مستندات قاعده لاضرر
۸۸ الف) قرآن
۸۸ ب) روایات
۸۹ ج) عقل
۸۹ ۲. ۲. ۴. ۲. معنای ضرر و اضرار
۹۰ ۲. ۲. ۴. ۳. مفهوم قاعده
۹۲ ۲. ۲. ۵. قاعده مصلحت نظام
۹۳ ۲. ۲. ۵. ۱. ابعاد مصلحت از نظر علماء
۹۴ ۲. ۲. ۵. ۲. مصلحت در لغت و اصطلاح
۹۴ ۲. ۲. ۵. ۳. نگرش امام خمینی به مصلحت

۹۸	فصل سوم
۹۹	طرح مسئله
۹۹	۳.۱ انتقال ارادی اموال معنوی
۱۰۰	۳.۱.۱ استفاده از قراردادهای خصوصی ویژه برای انتقال اموال معنوی
۱۰۱	۳.۱.۲ استفاده از عقود معین برای انتقال اموال معنوی
۱۰۱	۳.۱.۲.۱ عقد بیع
۱۰۵	۳.۱.۲.۲ عقد معاوضه
۱۰۵	۳.۱.۲.۳ عقد اجاره و عقد انتفاع
۱۰۷	۳.۱.۲.۴ عقد شرکت
۱۰۷	۳.۱.۲.۵ عقد صلح
۱۰۸	۳.۱.۲.۶ عاریه
۱۰۹	۳.۱.۲.۷ وکالت
۱۰۹	۳.۱.۲.۸ هبه
۱۱۰	۳.۱.۲.۹ رهن
۱۱۴	۳.۱.۲.۹.۱ بررسی شرط قبض مال مورد رهن در خصوص اموال معنوی
۱۱۴	۳.۱.۲.۱۰ امکان کاربرد سایر عقود معین در اموال معنوی
۱۱۵	۳.۲ انتقال قهری اموال معنوی
۱۱۶	۳.۲.۱ انتقال قهری پس از مرگ
۱۱۷	۳.۲.۱.۱ حقوق و تکالیف ورثه
۱۱۷	الف) انتشار، تکثیر یا تولید اموال فکری که جامعه به آن نیاز دارد (علی رغم میل باطنی وراثت)
۱۱۸	ب) وفاداری به سنت و سیره پدیدآورنده
۱۱۹	۳.۲.۲ انتقال قهری در زمان حیات
۱۲۰	نتیجه‌گیری
۱۲۳	پیشنهادات
۱۲۴	ضمائم
۱۲۵	استفتائات
۱۲۷	قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۳۸/۱۰/۱۱)
۱۳۲	قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲)
۱۳۴	قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹/۱۰/۴
۱۳۷	فهرست منابع

فصل اول

کلیات

۱.۱. کلیات

توجه به مقدماتی چون بیان مسئله، سوالات، فرضیات، اهداف و ضرورت و پیشینه تحقیق برای دستیابی به دور نمایی از جهت پژوهش رساله و مسیر حرکت علمی آن الزامی است. از این رو در بحث کلیات به آن پرداخته‌ایم.

۱.۱.۱. بیان مسئله تحقیق

حقوق مالکیت معنوی که به طور کلی از محصولات و تراوشات فکری حمایت به عمل می‌آورد، رشته‌ای از حقوق است که در جهان امروز اهمیت فوق العاده‌ای پیدا کرده و ادبیات قابل ملاحظه‌ای به آن اختصاص یافته است. مالکیت معنوی مشتمل بر دو بخش است:

۱. مالکیت صنعتی ۲. مالکیت ادبی و هنری در مالکیت صنعتی حقوق مربوط به اختراعات، علائم و نام‌های تجاری طرح‌های صنعتی، مدارهای یکپارچه، نشانه‌های مبدأ جغرافیایی و ارقام و گونه‌های گیاهی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش ادبی و هنری حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان و پدیه‌آوردندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای قرار می‌گیرد. یک بخش مهم ولی با اهمیت حقوق مالکیت فکری مثل سایر رشته‌های حقوق قراردادهای بهره‌برداری از این حقوق مالی و اعتباری است و مهم‌ترین اثری که در حقوق مالی مطرح می‌شود انتقال حقوق به دیگران است که با توجه به جدید و پیچیده بودن این بحث باید در فقه و حقوق ایران چگونه مطرح شده است.

۲. ۱. ۱. سوالات تحقیق

- ۱- آیا اموال معنوی از دیدگاه فقه امامیه دارای مالیت می‌باشند؟
- ۲- مبانی فقهی و حقوقی انتقال مالکیت معنوی در حقوق اسلام خصوصاً امامیه چیست؟
- ۳- انتقال اموال معنوی در حقوق ایران از چه طریقی صورت می‌گیرد؟

۳. ۱. ۱. فرضیات تحقیق

- ۱- در این مورد دو دیدگاه وجود دارد که اکثر فقها معاصر قایل به مالیت این اموال می‌باشند.
- ۲- قواعد سبق، لاضرر، احترام، سلطنت و مصلحت مبانی انتقال اموال فکری می‌باشند.
- ۳- برای انتقال اموال معنوی می‌توان علاوه بر عقود معین (بیع، اجاره، ...) از عقود خاص این اموال، (لیزینگ، اجاره به شرط تملیک، ...) نیز استفاده کرد.

۴. ۱. ۱. ضرورت و اهداف

حقوق مالکیت معنوی یکی از ارکان مهم تمدن است که از قدیم الایام مورد توجه بوده است مالکیت معنوی به حدی دارای اهمیت است که تمام ملل دنیا علاوه بر قوانین داخلی خود برای حمایت از آن در سطح بین المللی قراردادهای متعددی را امضا کرده و به مرحله اجرا درآورده‌اند و دو دلیل مهم برای این حمایت وجود دارد:

۱. دادن وجهه قانونی به حقوق مادی و معنوی پدید آورندگان در مورد آثارشان و حقوق جامعه در دستیابی به آن آثار.

۲. بالا بردن زمینه خلاقیت و بخش و انتشار نتایج حاصل از آن و حمایت از تجاری منصفانه که می‌تواند به توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کمک کند و تاثیر انکارناپذیر دارد. در حقیقت حمایت از مالکیت‌های معنوی باعث ترویج و غنی سازی و اشاعه فرهنگ هر ملت است. برای رسیدن به این هدف لازم است که قوانین مربوط به حقوق مالکیت معنوی به طور کامل و صریح برای حمایت از حقوق پدید آورندگان اثر و صاحبان صنایع وجود داشته باشد. انتقال اموال معنوی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که دیدگاه‌های مختلفی در مورد آن وجود دارد و در ایران به صورت پیچیده و مبهم به آن پرداخته شده است. هدف ما بررسی مبانی فقهی و حقوقی و شرایط آن در ایران می‌باشد.

۵. ۱. ۱. پیشینه تحقیق

در کتب فقهی و اسلامی سابقه این موضوع بر قاعده لاضرر و در حقوق معنوی به تفکرات مکتب حقوق طبیعی برمی‌گردد که در یونان و روم قدیم مطرح است. اما در عرف حق مالکیت

معنوی در ۱۷۹۱ در فرانسه و ۱۸۷۱ در انگلستان جز قوانین موضوعه و در سال ۱۳۱۰ در ایران تحت عنوان مالکیت فکری قوانین ایران پذیرفته شد و از نظر بین المللی نیز گسترش و تغییر یافتند. و در کتاب‌ها و مقالات زیادی مورد بحث قرار گرفته‌اند که مهم‌ترین آنها را در چند سال اخیر عبارتند از: مالکیت ادبی و هنری نوشته سید حسین صافی، حقوق آفرینش فکری حمید آیتی، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی سید حسن میر حسینی، حقوق مالکیت فکری علی رضا نوروزی و ... در مجلس شورای اسلامی نیز مصوبات زیادی در این زمینه وجود دارد اما در زمینه انتقال اموال فکری در حقوق ایران و مبانی فقهی آن کار چندانی صورت نگرفته است.

۱.۲. تعاریف

از آنجا که برای ورود به هر بحثی بیان تعاریف و نکات مرتبط به آنها برای تسلط بر موضوع الزامی است، در این قسمت به این مهم پرداخته‌ایم.

۱.۲.۱. انتقال

از نظر لغوی انتقال از ریشه نَقَلَ و مصدر اِنْتَقَلَ به معنای انتقال یافتن به مکان دیگر^۱ و از جایی به جای دیگر شدن^۲ کوچ کردن و کوچیدن است^۳. در فارسی به معنی واگذاری چیزی از مال خود به دیگری^۴ و نقل یعنی سلب مالکیت یک مالک نسبت به مال یا اموال معین و اعطاء آن به دیگری خواه به رضای مالک باشد و خواه به حکم قانون. اثر حاصل از نقل را انتقال گویند.^۵ در علم حقوق، عبارت است از زوال حقی از موضعی به موضع دیگر مانند حق مالک مبیع که به موجب عقد بیع زایل می‌شود و به مشتری تعلق می‌گیرد.^۶

-
۱. افرام البستانی، فواد، *منجد الطلاب*، ترجمه محمد بندر ریگی، چاپ دوم، تهران، انتشارات حر، ۱۳۷۹، ص ۶۰۶.
 ۲. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، جلد ۳، ص ۳۴۵۷.
 ۳. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، گردآورنده عزیزالله علیزاده، چاپ سوم، تهران، انتشارات کرج، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶.
 ۴. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶، جلد ۱، ص ۲۴۰.
 ۵. معین، محمد، پیشین، ص ۱۴۶.
 ۶. عمید، حسن، پیشین، جلد ۱، ص ۲۴۰.

در جای دیگر انتقال را زوال مالکیت مالک نسبت به مال یا اموال معین به نفع مالک جدید که یدوی متلقای از مالک نخستین است و بر دو قسم می‌باشد: یکی انتقال مسبوق به نقل مانند بیع و دیگری انتقال غیر مسبوق به نقل مانند انتقال ترکه به ورثه متوفی. معمولاً اولی را نقل و دومی را انتقال می‌گویند.^۱

انتقال بر دو نوع است: قهری و ارادی (اختیاری).

انتقال ارادی یعنی نقل مالکیت اعیان یا منافع آنها به اراده و رضای مالک. مانند انتقال مبیع به خریدار در عقد بیع.^۲

انتقال قهری یعنی مالی بدون تاثیر اراده مالک آن به دیگری منتقل گردد و به حکم قانون بدون این که سبب این انتقال توافق طرفین باشد. مانند مالی از کسی به دیگری ارث برسد.^۳

۲.۲.۱. مال

۱.۲.۲.۱. تعریف

از نظر لغوی مال کلمه یونانی است و لغت لاتینی اصل آن است. در عربی آن را از فعل ماضی (مال، میمل، میلا) شمرده‌اند.^۴ مال از نظر لغوی به زبان عربی به معنای خواهش و میل است و در اصل از فعل ماضی میل است به معنای خواستن^۵ و در فارسی هم به مال خواسته می‌گویند.^۶ در اصطلاح چیزی است که ارزش اقتصادی داشته و قابل تبدیل به پول باشد و ارزش مبادله را دارا باشد.

تازیان آن را در آغاز به معنای اراضی به کار می‌بردند و به معنای طعام هم به کار رفته است سپس برده را گفته‌اند و آنگاه مال را در هر چه که به اکتساب بدست آید به کار برده‌اند. پس پول هم مال است و منافع و مطالبات و تعهدات هم مال است.^۷

۱. جعفری لنگرودی، جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ ۱۹، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۸۸، ش ۶۹۷.

۲. جعفری لنگرودی، جعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، چاپ ۱، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۶۷۱، ش ۲۵۴۱.

۳. جعفری لنگرودی، جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، ص ۸۹، ش ۷۰۱.

۴. جعفری لنگرودی، جعفر، *حقوق اموال*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰، ص ۳۵.

۵. جعفری لنگرودی، جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، ص ۵۹۵، ش ۴۶۷۲.

۶. حیاتی، علی عباس، *حقوق مدنی ۲، اموال و مالکیت*، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۴.

۷. جعفری لنگرودی، جعفر، *حقوق اموال*، ص ۳۵ و ۳۶.

در فرهنگ معین مال به معنای املاک، اسباب و ثروت و هر چیزی که کسی مالک و دارا باشد آمده است.^۱ و همچنین مال را آنچه که طبع آدمی به آن گراید و قابل ذخیره کردن برای وقت حاجت باشد معنی کرده‌اند.^۲

در قوانین موجود در ایران قانونگذار اصطلاح مال را تعریف ننموده است و هر چند که می‌توان از جمع موادی از قانون مدنی از جمله موادی از قانون مدنی از جمله ماده ۲۱۵ و ۳۴۸ به بعضی از عناصر تعریف مال دست یافت. ولی، در حال ارایه تعریفی جامع به کمک دکترین و رویه قضایی امکان پذیر است. اجمالا می‌توان مال را این گونه تعریف نمود: «مال چیزی است که دارای منفعت عقلایی و مشروع بوده و قابلیت داد و ستد در بازار معاملات را داشته و بر حسب نیازهای فردی و اجتماعی قابلیت اختصاص یافتن به شخص یا اشخاص دیگر را دارد».^۳

در گذشته مال مختص کالای مادی بود ولی امروزه به حق تالیف، حق اختراع و سرقتی نیز مال گفته می‌شود. زیرا چیزی که ارزش داد و ستد دارد و مردم به آن میل پیدا کنند و عرف آن را مال می‌شمرند مسلم قابل معاوضه خواهد بود.^۴

۲.۲.۱. ویژگی‌های مال

با توجه به تعریف مال برای این که چیزی را مال بدانیم باید سه ویژگی داشته باشد:

الف) داشتن منفعت عقلایی و مشروع

از آنجا که اموال به قصد اینکه بتواند یکی از نیازهای مادی و یا معنوی اشخاص را مرتفع سازد مورد بهره برداری قرار می‌گیرند لذا زمانی اشخاص به تملک آن روی می‌آورند که در استفاده آن منفعتی را ببینند. صرف داشتن منفعت برای مال دانستن کافی نیست؛ بلکه، آن منفعت بایستی عقلایی و مشروع باشد، اموال گاهی نیازهای مادی ما را برطرف می‌سازند و گاهی نیازهای معنوی و روحی ما را مرتفع می‌سازند. به علاوه، لازم نیست که یک چیز، لزوماً برای همگان سودمند باشد بلکه، داشتن فایده و ارزش امری نسبی است. مقصود از نفع عقلایی یعنی فایده‌ای که نزد عرف عقلا مقبول و پسندیده است.^۵ دخالت عقل و منطق در تشخیص مال جالب است و حالت متغیر به مال می‌دهد زیرا عقل در زمان‌ها و مکان‌ها و شرایط فرهنگی و تمدن‌های

۱. معین، محمد، پیشین، ش ۳۳۷۷.

۲. جعفری لنگرودی، جعفر، مکتب‌های حقوقی در اسلام، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۰، ص ۹ و ۱۰.

۳. حیاتی، علی عباس، پیشین، ص ۱۴.

۴. کاتوزیان، ناصر، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، چاپ ۵، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱،

ص ۱۱.

۵. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۱۵.

گونگون فرق می‌کند. لازم نیست نفع عقلایی شایع و فراوان باشد بلکه منفعت نادر هم می‌تواند عقلایی باشد. به علاوه لازم نیست که نفع عقلایی مورد قبول عرف باشد. لذا، مارهای سمی که مورد استفاده موسسه سرم سازی است مال است چون یک هدف عقلایی را تامین می‌کند.^۱ مقصود از نفع مادی نفعی است که بتواند یکی از نیازهای جسمی و فیزیکی شخص را مرتفع سازد و مقصود از نفع معنوی آن است که بتواند به کمک مالی یکی از نیازهای روحی و معنوی آنان را برطرف کند.

ب) قابلیت داد و ستد

برای این که چیزی مال محسوب شود، به علاوه بر این که لازم است، دارای منفعت عقلایی و مشروع باشد، لازم است، قابلیت داد و ستد هم داشته باشد؛ یعنی در بازار معاملات بتواند مورد خرید و فروش قرار گیرد. بسیاری از اشیاء سودمند به همین صورت است. در مقابل آن بهایی پرداخت می‌شود و می‌تواند موضوع معاملات قرار گیرد.

ج) قابلیت اختصاص یافتن

برای این که چیزی مال محسوب شود، لازم است، قابلیت اختصاص یافتن به شخص یا اشخاص معین را داشته باشد.^۲ لازم نیست، آن مال عملاً به کسی اختصاص یافته باشد؛ بلکه، اگر بالقوه این استعداد را داشته باشد می‌توان آن را مال محسوب نمود.

۱. همان، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۱۱.

۱. ۲. ۲. ۳ آثار حقوقی تعریف مال

تعریف مال آثار حقوقی گوناگون دارد نه تنها در حوزه حقوق خصوصی دارای آثار مهمی است، بلکه، در حوزه سایر گرایش‌های حقوقی، از جمله حقوق کیفری دارای اهمیت است.

مهمترین آثار تعریف مال:

۱- قانونگذار موضوع بعضی از معاملات را مال تعیین کرده است. موضوع عقودی مانند: معاوضه (ماده ۶۰۷ قانون مدنی)، رهن (ماده ۷۷۱ ق.م)، هبه (ماده ۷۹۵ ق.م) و... همیشه مال است. لذا تعیین اینکه چه چیزی‌هایی مال است که بتواند موضوع یکی از عقود مزبور قرار گیرد، اهمیت دارد. به عبارتی شرط صحت هر یک از عقود مزبور این است که موضوع آن مال باشد. در غیر این صورت، آن عقد اصولاً باطل است.

۲- در حقوق، مسئولیت مدنی به واسطه ضرر زدن به مال دیگری به وجود می‌آید. بنابراین، هرکس مال دیگری را تلف کند ضامن جبران خسارت وارده است و حتی بعضی از فقهای عامه تحقق مسئولیت را یکی از ارکان تعریف مال ذکر کرده‌اند و گفته‌اند «آنچه می‌ارزد و تلف کننده ضامن آن است مال است.» این تعریف را به شافعی نسبت داده‌اند.^۱

لذا، از بین بردن غیر مال موجب مسئولیت مدنی نیست. مانند این که، کسی به جسم دیگری ضرر وارد کند؛ هر چند که عامل زیان ممکن است محکوم به پرداخت مبلغی به عنوان دیه بشود، اما، چون به غیر مال لطمه وارد آورده است آن را مسئولیت مدنی نمی‌دانند.

۳- در صورت فوت شخص، صرفاً، حقوق و تعهدات مالی او به وارث به ارث می‌رسد. حقوق غیر مالی و تعهدات غیر مالی به وارث قابل انتقال نیست.

۴- سفیه صرفاً در امور مالی محجور است و اعمال حقوقی او نسبت به امور مالی غیر نافذ است. به همین دلیل است که، قانون مدنی اقرار او را نسبت به امور مالی مؤثر ندانسته است.^۲

۵- در حوزه حقوق کیفری، موضوع بسیاری از جرایم، تعرض توأم با سوءنیت به اموال دیگری است جرایمی مانند: سرقت. بنابراین برای احراز اینکه سرقتی واقع شده است یا نه در بسیاری از موارد نیاز به تعریف مال است.

۱. سیوطی، عبد الرحمان بن ابابکر، *الاشباه والنظائر فی قواعد و فروع الشافعیه*، قاهره، دار السلام، ۱۴۱۸هـ،

ص ۲۵۸.

۲. ماده ۱۲۶۳ قانون مدنی.